گفت‌وگوی احمد غلامی با علم صالح

صلح یا نبود جنگ

وقتی عراق به ایران و شهرهای جنوبی آن آبادان و خرمشهر حمله کرد، علم صالح شش سال داشت و با خانواده‌اش در آبادان زندگی می‌کرد. او در همان آغاز جنگ با اولین بارش سنگین خمپاره‌ها ناچار شهر و دیارش را همراه خانواده ترک کرده و به شهر قم مهاجرت می‌کند. قم هم جای امنی نبود، اما دیگر چاره‌ای جز مقاومت و ماندگاری نمانده بود. علم صالح روزهای سختی را در شهر قم و در هنگامه جنگ گذراند. او باور نمی‌کرد تجربه چنین روزهای سختی زمانی به کارش بیاید؛ زمانی که او دیگر پژوهشگر و تحلیلگر حرفه‌ای شده و در بریتانیا، محل زندگی و تدریسش چهره‌ای شناخته‌شده است. علم صالح هراژگاهی به ایران می‌آید و می‌رود. این بار اما دست تقدیر او را در بحبوحه جنگ اسرائیل علیه ایران به تهران کشانده است. او در تمام مدتی که تهران زیر بمباران و حملات بهپادی بود، از تهران خارج نشد و بی‌اعتنا به توصیه‌های اقوام و دوستان در تهران ماند تا لحظات تکینی برای پژوهش‌هایش ثبت و ضبط کند. علم صالح پیش از اینها در مصاحبه‌های گفته بود اگر بازاردندگی ایران کاهش پیدا کند، آمریکا به ایران حمله خواهد کرد. اینک پیش‌بینی او به وقوع پیوسته است. اما شاید خود او نیز باور نمی‌کرد زمان این حمله در تهران باشد. علم صالح معتقد است «به‌طور نظری جنگ‌ها زمانی اتفاق می‌افتند که توازن وجود نداشته باشد. در دنیای آنارشیکی که ما در آن به سر می‌بریم، چیزی به نام صلح واقعی وجود ندارد. فقط نبود جنگ است، و نبود جنگ با ایجاد توازن قدرت پیش می‌آید. البته این به آن معنا نیست که کشورها همیشه در حال جنگ هستند». صالح باور دارد شرایط اقلیمی، سیاسی و اقتصادی کشورها در شکل‌گیری جنگ و صلح نقش اساسی دارند. او می‌گوید کشورهایی مانند ایران که در منطقه‌ای پراهمیت از لحاظ ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک قرار دارند، همواره برای قدرت‌های جهانی موضوعیت داشته‌اند، از این‌رو وضعیت حکمرانی در ایران و رابطه قدرت مرکزی با قدرت‌های جهانی همواره اهمیت داشته است. علم صالح اعتقاد دارد قدرت مسئله کلیدی است، خاصه در مورد ایران که خود را وارث تاریخی پرافتخار می‌داند. کشوری وسیع با ملتی بزرگ و پرافتخار که در بی یافتن جایگاه خود در تاریخ است؛ جایگاهی که از مسیر دستیابی به استقلال سیاسی و نظامی می‌گذرد. علم صالح با اشاره به تجارب تلخ دخالت بیگانگان در ایران ازجمله در دوران قاجار، جنگ جهانی دوم و حتی عصر صفویه، معتقد است این تجارت در اذهان نخبگان سیاسی مانده و از این‌رو مسئله قدرت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. به باور علم صالح این میل به افزایش قدرت برای دستیابی به استقلال است که موجب تضاد می‌شود؛ قدرت‌های جهانی که سودای برپاداشتن نظم جهانی بنا بر مصالح خود را در سر دارند نمی‌توانند ایران قدرتمند را بپذیرند، چراکه با منافع آنان در تضاد است. از نظر علم صالح ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای در حال ظهور است و آمریکا حاضر نیست بپذیرد که یک هژمونی منطقه‌ای در برابرش شکل بگیرد که نظم منطقه‌ای را به چالش بکشد. صالح بیش از هر چیز بر توازن قدرت تأکید دارد؛ توازن قدرتی که می‌تواند از وقوع جنگ‌ها جلوگیری کند. بنابراین توازن قدرت ضرورت دارد و زمانی که کشورهای متخاصم با منافع متضاد در وضعیت برابر با بازدارندگی قرار دارند احتمال جنگ کاهش می‌یابد. از همین‌رو است که صالح باور دارد مسئله ایران و اسرائیل ایدئولوژیک نیست، بلکه مسئله اصلی قدرت است. مسئله هژمونی منطقه‌ای و منافع آمریکاست که از طریق اسرائیل در منطقه راهبردی می‌شود. تا پیش از این در رابطه ایران و اسرائیل تصوری از توازن قدرت وجود داشت، زیرا ایران اهرم‌هایی برای بازدارندگی در اختیار داشت، اما جنگ اخیر نشان داد که برهم‌خوردن توازن قدرت با تصور آن می‌تواند به جنگ منجر شود.

عکس: عباس قوری‌شرق

اشاره: از تجربه روزهای جنگ بگویید. چه حال و هوایی داشت؟ آیا انتظار چنین حمله‌ای را داشتید؟

به نظرم این ایام تاریخی خاص‌ترین دوهفته‌ای بود که خاورمیانه در دهه‌های پیش تجربه کرد. و من خوشحالم که در این مدت ایران بودم، به‌عنوان یک ایرانی و در عین حال پژوهشگر و بدون شک تجربه بسیار منحصربه‌فردی بود که از نزدیک شاهد جنگ ۱۲روزه اسرائیل علیه ایران باشم. قبل از این تا حدودی انقلاب را لمس کردم و بعد از آن جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۰ را تجربه کردم و دیدم. زیست کردم و بعد از اینکه ما جنگ‌زده شدیم. دوباره در بمباران‌های عراق علیه شهرهای ایران ناگزیر به مهاجرت مضاعف شدیم. به همین خاطر است این دو هفته که من در تهران بودم و خواستم کاهش پیدا کند. البته این به آن معنا نیست که کشورها همیشه در حال جنگ هستند». صالح باور دارد شرایط اقلیمی، سیاسی و اقتصادی کشورها در شکل‌گیری جنگ و صلح نقش اساسی دارند. او می‌گوید کشورهایی مانند ایران که در منطقه‌ای پراهمیت از لحاظ ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک قرار دارند، همواره برای قدرت‌های جهانی موضوعیت داشته‌اند، از این‌رو وضعیت حکمرانی در ایران و رابطه قدرت مرکزی با قدرت‌های جهانی همواره اهمیت داشته است. علم صالح اعتقاد دارد قدرت مسئله کلیدی است، خاصه در مورد ایران که خود را وارث تاریخی پرافتخار می‌داند. کشوری وسیع با ملتی بزرگ و پرافتخار که در بی یافتن جایگاه خود در تاریخ است؛ جایگاهی که از مسیر دستیابی به استقلال سیاسی و نظامی می‌گذرد. علم صالح با اشاره به تجارب تلخ دخالت بیگانگان در ایران ازجمله در دوران قاجار، جنگ جهانی دوم و حتی عصر صفویه، معتقد است این تجارت در اذهان نخبگان سیاسی مانده و از این‌رو مسئله قدرت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند. به باور علم صالح این میل به افزایش قدرت برای دستیابی به استقلال است که موجب تضاد می‌شود؛ قدرت‌های جهانی که سودای برپاداشتن نظم جهانی بنا بر مصالح خود را در سر دارند نمی‌توانند ایران قدرتمند را بپذیرند. چراکه با منافع آنان در تضاد است. از نظر علم صالح ایران به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای در حال ظهور است و آمریکا حاضر نیست بپذیرد که یک هژمونی منطقه‌ای در برابرش شکل بگیرد که نظم منطقه‌ای را به چالش بکشد. صالح بیش از هر چیز بر توازن قدرت تأکید دارد؛ توازن قدرتی که می‌تواند از وقوع جنگ‌ها جلوگیری کند. بنابراین توازن قدرت ضرورت دارد و زمانی که کشورهای متخاصم با منافع متضاد در وضعیت برابر با بازدارندگی قرار دارند احتمال جنگ کاهش می‌یابد. از همین‌رو است که صالح باور دارد مسئله ایران و اسرائیل ایدئولوژیک نیست، بلکه مسئله اصلی قدرت است. مسئله هژمونی منطقه‌ای و منافع آمریکاست که از طریق اسرائیل در منطقه راهبردی می‌شود. تا پیش از این در رابطه ایران و اسرائیل تصوری از توازن قدرت وجود داشت. زیرا ایران اهرم‌هایی برای بازدارندگی در اختیار داشت، اما جنگ اخیر نشان داد که برهم‌خوردن توازن قدرت با تصور آن می‌تواند به جنگ منجر شود.

ابتدا از تجربه روزهای جنگ بگویید. چه حال و هوایی داشت؟ آیا انتظار چنین حمله‌ای را داشتید؟

به نظرم این ایام تاریخی خاص‌ترین دوهفته‌ای بود که خاورمیانه در دهه‌های پیش تجربه کرد. و من خوشحالم که در این مدت ایران بودم، به‌عنوان یک ایرانی و در عین حال پژوهشگر و بدون شک تجربه بسیار منحصربه‌فردی بود که از نزدیک شاهد جنگ ۱۲روزه اسرائیل علیه ایران باشم. قبل از این تا حدودی انقلاب را لمس کردم و بعد از آن جنگ ایران و عراق در سال ۱۹۸۰ را تجربه کردم و دیدم. زیست کردم و بعد از اینکه ما جنگ‌زده شدیم. دوباره در بمباران‌های عراق علیه شهرهای ایران ناگزیر به مهاجرت مضاعف شدیم. به همین خاطر است این دو هفته که من در تهران بودم و خواستم شاهد باشم. قبل از هر چیز برای من یادآور جنگ و اتفاقاتی بود که در سنین کودکی و نوجوانی تجربه کرده بودم. در عین حال برای من به‌عنوان یک ایرانی بسیار پراهمیت بود که در کنار مردم هستم و مانند بقیه ایرانیان این تجربه تلخ را می‌بینم و از نزدیک لمس می‌کنم. تجربه به‌عنوان یک پژوهشگر برای من بسیار ارزش داشت. مشاهداتم در عین حال این فرصت را داشتم که روزانه چندین و چند مصاحبه به زبان‌های مختلف با کشورهای مختلف انجام دهم و تجربه را به‌عنوان یک شخص آکادمیک و با جنگ‌زده شدیم. دوباره در بمباران‌های عراق علیه شهرهای ایران ناگزیر به مهاجرت مضاعف شدیم. به همین خاطر است این دو هفته که من در تهران بودم و خواستم باشم. قبل از هر چیز برای من یادآور جنگ و اتفاقاتی بود که در سنین کودکی و نوجوانی تجربه کرده بودم. در عین حال برای من به‌عنوان یک ایرانی بسیار پراهمیت بود که در کنار مردم هستم و مانند بقیه ایرانیان این تجربه تلخ را می‌بینم و از نزدیک لمس می‌کنم. تجربه به‌عنوان یک پژوهشگر برای من بسیار ارزش داشت. مشاهداتم در عین حال این فرصت را داشتم که روزانه چندین و چند مصاحبه به زبان‌های مختلف با کشورهای مختلف انجام دهم و تجربه را به‌عنوان یک شخص آکادمیک و بکوبم خود ۵۰ مصاحبه به زبان‌های انگلیسی، عربی و فارسی با کشورهای مختلف منطقه‌ای و سایر کشورها داشتم. اما خیلی زود است که در حال حاضر بتوانم نظرات علمی و نظری در مورد جنگ ارائه بدهم. مطمئنا احتیاج به وقت و مطالعات بیشتر دارد که ببینیم چه شد که اینگونه شد و چگونه می‌شود از این تهدید به‌عنوان یک فرصت برای بهبود بخشیدن به وضعیت استفاده کرد. نه‌فقط مورد اوضاع کشوری و منطقه‌ای، بلکه از لحاظ نظری و تئوریک چگونه می‌توان نسبت به مفاهیم کلیدی مانند «بازدارندگی» بازنگری کرد.

شما بر این باور بودید که از بازدارندگی ایران کاهش پیدا کند، آمریکا به ایران حمله می‌کند و کوبا این جنگ را پیش‌بینی کرده بودید. آیا قبل از استقلال دانشمند آمریکا با واسطه اسرائیل به ایران حمله کند. یا این دو را مستقل از هم ارزیابی می‌کنید؟

اتفاقا این یکی از نکاتی است که می‌توانیم از این جنگ نتیجه‌گیری کنیم. به‌طور نظری، جنگ وقتی اتفاق می‌افتند که توازن وجود نداشته باشد. در دنیای آنارشیکی که ما در آن به سر می‌بریم، چیزی به نام صلح واقعی وجود ندارد. فقط نبود جنگ است، و نبود جنگ با ایجاد توازن قدرت پیش می‌آید. این یک از آن معنا نیست که کشورها همیشه در حال جنگ هستند، بلکه کشورها و مناطق مختلف ویژگی‌های خاص خود را دارند. اما کشورهایی مانند ایران در منطقه‌ای بسیار پراهمیت از منظر ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک قرار دارند و همواره به‌طور تاریخی برای قدرت‌های جهانی اهمیت داشته که چه کسی در این کشور حاکم است. چگونه حکمرانی می‌کند و رابطه قدرت مرکزی ایران با قدرت‌های جهانی چگونه است. مسئله قدرت در ایران از اهمیت بسیاری برخوردار است، به‌ویژه برای ایران که مدعی است تاریخ پرافتخاری دارد و کشوری وسیع با ملتی پرافتخار است. به این خاطر جایگاهی در تاریخ پیدا می‌کند یا دنبال این جایگاه است؛ و در این جایگاه باید استقلال سیاسی و نظامی داشته باشد و این طور نباشد که قدرت‌های جهانی بتوانند مانند دوران قاجار، جنگ جهانی دوم یا حتی عصر صفویه رفتار کنند. این تجارب تلخ همیشه در حافظه تاریخی ایرانیان، به‌ویژه نخبگان و سیاست‌مداران مانده و به همین دلیل جایگاه قدرت مسئله قدرت در ایران از اهمیت بسیاری برخوردار است.